


دوره‌نامه تاریخ ادبیات

دوره ۱۵، شماره ۱، (پیاپی ۸۶/۱) بهار و تابستان ۱۴۰۱

مقاله علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۷

10.52547/HLIT.2022.226992.1122 

نقش ادبیات در تحولات گفتمان محیط زیستی^۱ (ص ۲۴۹-۲۶۸)

زهرا پارساپور^۲، هیوا حسن پور^۳

چکیده

ادبیات در تعامل و گفت‌وگوی دائمی با جامعه و محیط اعم از محیط زیست طبیعی و مصنوعی است. به موازاتی که از تحولات گفتمانی از جمله گفتمان محیط زیست تأثیر می‌پذیرد، می‌تواند در تغییر و تحولات گفتمانی نقش ایفا کند. در این مقاله ضمن معرفی مدل کاربردی سه‌گانه ادبیات به‌عنوان بوم‌شناسی فرهنگی، به سه نقش ادبیات در مواجهه با گفتمان‌های محیط زیستی پرداخته شده است. این سه نقش عبارت‌اند از: فراگفتمان فرهنگی - منتقدانه، ضد گفتمان تخیلی و سوم میان‌گفتمان الحاق مجدد. در ادامه به نقد و بررسی نمونه یا نمونه‌هایی از آثار ادبی در هر یک از این نقش‌ها در تاریخ ادبیات معاصر پرداخته شده است. مبتنی بر این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که ادبیات قادرست با استفاده از اثرزی تخیل و ایجاد جهان‌های ممکن، سه عملکرد برجسته داشته باشد: نقد و اصلاح گفتمان محیط زیستی موجود، جایگزینی یکباره گفتمان محیط زیستی به حاشیه رانده یا فراموش شده و دیگر، گفت‌وگو و آشنایی گفتمان‌های محیط زیستی متنوع و نزدیک کردن آن‌ها به یکدیگر. هر سه کارکرد ادبیات می‌تواند در برجسته ساختن و پیشگیری از مخاطرات محیط زیستی که غالباً به دلیل تدریجی بودن از چشم یک نسل پنهان است، نقش قابل توجهی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: بوم‌شناسی فرهنگی، مدل کاربردی سه‌گانه زیف، گفتمان‌های محیط زیستی.

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «نقد بوم‌گرا (رویکردها و روش‌ها همراه با نمونه‌های نقد عملی)» است که از سوی سازمان انتشارات سمت: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی حمایت می‌شود.

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

Zahra.parsapoor@gmail.com

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان، کردستان، ایران. (نویسنده مسئول)

Hiva.hasanpour@uok.ac.ir

The Role of Literature in Environmental Discourse Evolutions

Zahra Parsapoor¹, Hiva Hasanpour²

Abstract

Literature is constantly related to and interacts with society and environments, including natural and artificial environments. It not only is affected by discourse changes such as environmental discourse but also plays a crucial role in discourse changes and evolutions. In the present article, in addition to introducing a triadic functional model of literature as cultural ecology, three roles of literature in confronting environmental discourses have been addressed. The three roles include cultural-critical metadiscourse, imaginative counterdiscourse, and reintegrative inter-discourse. In addition, samples of literary works in contemporary literature, including these roles, have been examined and criticized. Based on the results, it can be concluded that literature can be assigned three essential functions using imagination and the creation of possible universes: criticism and reform of the existing environmental discourse, the abrupt replacement of the marginalized or neglected environmental discourse, and interaction and familiarity with various environmental discourses and their reconciliation. These three functions of literature can play a significant role in boldfacing and preventing environmental threats, which are often neglected by a generation because of being gradual.

Keywords: cultural ecology, Zapf triadic functional model, environmental discourse

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Associate Professor, Department of Literature, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran, email: zahra.parsapoor@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Kurdistan, Kurdistan, Iran, email of the corresponding author:

hiva.hasanpour@uok.ac.ir

۱. مقدمه

پیوستگی و وابستگی شعر با محیط زیست از دیرباز تا امروز به حدی است که گیلکریست^۱ استدلال می‌کند که تمام اشعار از یک لحاظ محیطی هستند، زیرا «هر شعر دلالت بر یک مکان دارد.» (ردیک^۲، ۲۰۱۷: ۴۲). با این تفاوت که گاه این محیط، طبیعی است و گاه، مصنوعی و دست‌ساز بشر^۳. از این رو از اشعار درباری، اشعار مربوط به فصول (همچون بهاریه‌ها)، تغزل‌ها تا اشعار معاصر که با نگاه متفاوت به طبیعت و شهر و روستا می‌نگرند همه با محیط زیست گره خورده‌اند. در این اشعار می‌توان تاریخ تصاویر شاعرانه از طبیعت را دنبال کرد و به تفاوت نگاه انسان در ادوار مختلف پی برد. به عبارتی ادبیات بهترین و شاید تنها سندی است که تاریخ رابطه انسان با طبیعت و گفتمان‌های محیط زیستی را به ما منتقل می‌کند. این تأملات و مطالعات، دست کم دو دستاورد به همراه دارد: نخست آنکه تفاوت نگاه گذشتگان به طبیعت با انسان معاصر مشخص می‌شود؛ و دوم اینکه در جهت اصلاح برداشت و تصاویر ذهنی انسان می‌توان گام‌هایی برای جایگزین کردن تصاویر دیگر در شعر معاصر برداشت.

نقش ادبیات در تغییر پارادایم‌ها با برساختن تصاویر جدید ادبی در جهان‌های ممکن میسر می‌شود درحالی‌که تغییر رابطه و نگاه ما به جهان که برساخته پیوند پیچیده میان تاریخ و طبیعت است، از سوی یک فرد یا یک نسل شدنی نیست. در ادبیات با بهره‌گیری از قدرت تخیل می‌توان با ساختن جهان‌های ممکن نظم جدید و متفاوتی را تصور کرد و به تصویر کشید. این انرژی تخیلی و این تصاویر از طریق آثار ادبی به خوانندگان منتقل می‌شود و در طول چند نسل، جایگزین تصاویر قبلی شده و ذهنیت قبلی را به حاشیه می‌راند.

ادبیات محیط زیستی با برجسته‌سازی نقش مکان و زمینه و نیز یادآوری مسئولیت انسان در قبال محیط زیست و سایر موجودات، نوعی مقاومت و ایستادگی در مقابل انسان‌محوری در عصر جدید بود. ادبیات محیط زیستی جامعه طبقاتی مبتنی بر برتری یک گونه بر سایر گونه‌ها را به نقد کشید و مرز میان انسان و سایر موجودات را کمرنگ کرد. بی‌تردید نظریه تکامل در شکل‌گیری این نگاه مؤثر بود چرا که تأکید روی نقش ژن از فاصله ذهنی تصور شده میان انسان و سایر موجودات کاست درحالی‌که پیش از آن، انسان تافته‌ای جدابافته بود. پیتر سینگر^۴ در این باره می‌گوید: «تفکر داروینی، دیدگاه‌هایی پیچیده‌تر در خصوص تفاوت میان انسان‌ها و جانوران را هم به چالش می‌کشد. هم در کتاب تبار انسان و هم در کتاب بیان عواطف در انسان و حیوانات، نه تنها از نظر آناتومی و فیزیولوژی، بلکه از نظر حیات ذهنی نیز [میان انسان و حیوان] پیوستگی برقرار است. او نشان داده است حیوانات، قابلیت عشق‌ورزی، به یادآوری، کنجکاو، تعقل و همدلی با یکدیگر را دارند. تفکر داروینی با در هم شکستن پایه‌های نظری این ایده که ما مخلوقات متمایز از

حیوانات و به‌طور کلی از نوعی متفاوت هستیم مبنایی برای انقلاب در رویکرد ما به جانداران غیرانسان فراهم کرده است» (سینگر، ۱۳۹۸: ۲۴ و ۲۵). این تحولات به مرور منجر به شکل‌گیری مضامین و اندیشه‌های نو در ادبیات شد. بررسی این مضامین و اندیشه‌ها در آثار ادبی، شاخه‌ها و دسته‌بندی‌های تازه‌ای را در ادبیات غرب مطرح کرده است که طرح آن مباحث می‌تواند ما را نسبت به تحولات در ادبیات معاصر فارسی حساس کند. هر چند که جریان محیط زیستی در ادبیات ایران بسیار نوظاست و این جریان باریک در کنار پهنای جاری ادبیات کلاسیک فارسی نمود کمی دارد اما بی‌تردید دیر یا زود، احساس و اندیشه شاعران و نویسندگان تحت تأثیر وقایع ناگوار محیط زیستی قرار می‌گیرد چراکه مشکلات محیط زیستی، تأثیر خود را بر اوضاع معیشت، اقتصاد، شرایط روحی و روانی انسان‌ها می‌گذارد و شاعر و نویسنده دیگر نمی‌تواند حتی در خلوت خود نسبت به این اتفاقات بی‌توجه باشد. طبیعت، بخشی از وجود و تخیل شاعران و رمان‌نویسان است و تخریب طبیعت بی‌تردید بیشترین تأثیر را روی تخیل و خلاقیت ادبی آن‌ها می‌گذارد. برای مثال در غرب، زمانی که بر اثر کاربرد بی‌رویه سموم، بهار بدون آواز و پرنده و گل از راه می‌رسد، راشل کارسون^۵ نمی‌تواند نگاه رمانتیک شاعران یک قرن پیش را نسبت به این بهار داشته باشد و همچنان بهاری سرسبز و پرنگمه به تصویر بکشد. از این رو مقدمه کتاب بهار خاموش را متفاوت از گذشته می‌نویسد و جریان تازه‌ای را در ادبیات آغاز می‌کند. او بهاری را توصیف می‌کند که برخلاف بهاران پر آواز و گل توصیف‌شده در ادبیات، خاموش و ساکت است. شکوفه‌ها بارور نمی‌شوند و نوزاد چهارپایان می‌میرند و جوجه‌ای از تخم ماکیان سر بر نمی‌آورد و این همه نه حاصل جادو و سحر که محصول رفتار مردمانی بود که با کاربرد ناشیانه سموم و آفت‌کش‌ها به چرخه حیات آسیب زده بودند (نک: کارسون، ۱۳۵۸: ۲۱).

شکل‌گیری جریان کم‌رنگ محیط زیستی در آثار ادبی معاصر به ما می‌گوید که ادبیات نمی‌خواهد و یا شاید نمی‌تواند نسبت به این تحولات بی‌اعتنا باشد چراکه اصولاً در طول تاریخ، تخیل ادبی با طبیعت و محیط زیست پیوند خورده است. برای مثال عاشقانه‌ها و تغزل‌ها با طبیعت و مکان وقوع روایت عاشقانه گره خورده است به گونه‌ای که تصویر عاشق و معشوق و ارتباط میان آن دو از تصویر طبیعت و فرآیندهای طبیعی در مکان روایت ناگسستنی است. برای نمونه می‌توان به هوش و درک نظامی در انتخاب داستان اشاره کرد. او برخلاف اشتیاقی که در سرودن خسرو و شیرین از خود نشان می‌دهد در سرایش لیلی و مجنون مردّد است. یکی از دلایل آن - که به اجمال بیان می‌کند - تفاوت مکان و محیطی است که این دو منظومه با هم دارند. او در بخش سبب سرودن لیلی و مجنون می‌گوید:

در مرحله‌ای که ره نمانم پیداست که نکته چند رانم

نه باغ و نه بزم شه‌ریاری
 نه رود و نه می نه کام‌گاری
 بر خشکی ریگ و سختی کوه
 تا چند سخن رود در اندوه
 باید سخن از نشاط سازی
 تایت کند به قصه بازی؟
 این بود کز ابتدای حالت
 کس گ‌رد نگش‌تش از ملالت
 (نظامی، ۱۳۸۹: ۲۷)

در واقع ماجرای لیلی و مجنون برخلاف خسرو و شیرین در بادیه‌ای خشک رخ می‌دهد و مجنون بیابانگرد، دور از لیلی با وحوش سروکار دارد و نه با چشمه و شکارگاه و دشت و باغ و زیبایی که هر گوشه‌اش یادآور معشوق است و به شاعر در تخیل عاشقانه مدد می‌رساند. اکنون باید دید تغییرات شکل گرفته در مکان روایت‌های عاشقانه در دوره معاصر از جمله شکل‌گیری روایت در فضا‌های شهری و دور از طبیعت، چه تغییری در این روایت‌ها و تخیل ادبی شکل گرفته در آن‌ها به وجود می‌آورد.

شاید درک تأثیر تحولات اجتماعی در آثار ادبی از درک تأثیر تحولات محیط زیستی در این آثار برای ناقدان سهل‌تر باشد چرا که اولاً نقد جامعه‌شناختی نسبت به نقد بوم‌گرا سابقه بیشتری دارد و دوم اینکه تحولات اجتماعی نسبت به تحولات محیط زیستی سریع‌تر انجام می‌پذیرد و در نتیجه مشهودتر است. به هر روی ایجاد ارتباط میان این دو نقد می‌تواند تا حدودی جایگاه نقد بوم‌گرا را در مطالعات نقد ادبی تثبیت کند.

نقد جامعه‌شناختی بر آن است که ادبیات در یک گفت‌وگو و تعامل دائمی با فرهنگ و جامعه است. بنابراین سخن میخائیل باختین^۶ «هر اثر ادبی ذاتاً و به طور ناخودآگاه اجتماعی است.» (باختین به نقل از کریمی حکاک، ۱۳۸۴: ۳۲) این اجتماعی بودن هم به مراحل شکل‌گیری یک اثر ادبی برمی‌گردد و هم به تأثیری که اثر ادبی روی جامعه دارد. کریمی حکاک سعی می‌کند در کتاب خود بیشتر نقش تحولات فرهنگی و اجتماعی را روی دگرگونی‌های شعری، هم در عرصه فرم و هم محتوا توضیح دهد و فرایند این تحول را تبیین کند. او فرایندهای مختلفی از جمله فرایند تحول تدریجی نظام دلالت و معنایی شعر، تحول قواعد بلاغی در دل تحولات فرهنگی و نیز تحول نظام نشانه‌شناختی و جایگزین شدن نظام جدید را با استفاده از نظریه لوتمان^۷ توضیح می‌دهد. می‌توان تأثیر و تأثر ادبیات را روی فرد و جامعه توسعه بخشید به گونه‌ای که محیط زیست او را نیز در بر بگیرد. در این صورت تغییر و تحولاتی که در گفتمان محیط زیستی ایجاد می‌شود روی جریان‌های ادبی تأثیر می‌گذارد و بالعکس جریان‌های ادبی، می‌توانند در تغییر گفتمان‌های محیط زیستی نقش داشته باشند. گفتمان‌های محیط زیستی تحت تأثیر تحولاتی صورت می‌گیرد که در پیوند میان انسان و طبیعت رخ می‌دهد. این تحولات می‌تواند هم به دخالت‌های انسان‌ها در محیط زیستی مربوط شود

و هم به تغییرات اقلیمی و تحولاتی که در جهان طبیعت به شکل طبیعی رخ می‌دهد و قابل پیشگیری و پیش‌بینی نیست. گفتمانی که همزمان با انقلاب صنعتی شکل گرفت و انسان را به تسلط بیشتر بر طبیعت، رازگشایی از قوانین طبیعت و نیز مصرف بیشتر دعوت کرد در نسبت با گفتمان محیط زیستی در جوامع پیشاصنعتی نگرش متفاوتی را نسبت به طبیعت رقم زد. پیامد این توسعه افسارگسیخته و شکل‌گیری بحران محیط زیست، شکل‌گیری گفتمانی جدید در پیوند انسان و محیط‌زیست است. این گفتمان با دعوت به زیست‌محوری، آسیب‌های جدی انسان‌محوری حاکم بر گفتمان قبلی را به چالش کشید. می‌توان رد پای این گفتمان‌ها و گفت‌وگو یا جدال میان آن‌ها را در آثار ادبی ملاحظه کرد.

۲. پیشینه و سؤالات پژوهش

مبحث تحلیل انتقادی گفتمان محیط زیستی مبحثی نو در ادبیات است. بخشی از پژوهش‌ها صرفاً به تحلیل گفتمان محیط زیستی بدون ارتباط با آثار ادبی می‌پردازند که در اینجا مورد نظر ما نیستند اما از میان پژوهش‌های مرتبط با ادبیات، برخی از منابع به بررسی گفتمان‌های حاکم بر روابط انسان با سایر موجودات و با طبیعت می‌پردازند. مثلاً می‌توان به کتاب حیوانات محو شده: گفتمان محیط زیست و پیوند دوباره با جهان طبیعت^۸ که مجموعه مقالاتی از آرن استیبی^۹ است، اشاره کرد. در این کتاب، گفتمان‌های مرتبط با حیوانات در سه دسته مشخص شده‌اند: گفتمان‌های مخرب، ضد گفتمان‌ها و گفتمان‌های جایگزین. استیبی در مورد گفتمان‌های جایگزین، از آثار ادبی‌ای مانند طبیعت‌هایکو، انیمیشن ژاپنی و سبک نوشتار راشل کارسون نام می‌برد (قربان‌پور، ۱۴۰۰: ۴۹).

برخی از منابع موجود در حوزه تحلیل گفتمان محیط زیستی به بررسی ژانر خاص ادبی می‌پردازند. از منابع لاتین در این زمینه می‌توان به کتاب بن‌هلگیت^{۱۰} با عنوان اقلیم و بحران^{۱۱} که در سال ۲۰۱۹ منتشر شده است، نام برد. در این کتاب از رئالیسم جادویی به‌عنوان یک گفتمان محیط زیستی یاد می‌شود که نویسندگان را قادر می‌سازد تا پارادایم‌ها، هستی‌شناسی‌ها و معرفت‌شناسی‌های جایگزین را به تصویر بکشند که غالباً عقل‌گرایی عملی برگرفته از روشنگری اروپایی و بهره‌برداری از منابع طبیعی مرتبط با سرمایه‌داری و امپریالیسم را به چالش می‌کشند.

برخی دیگر از پژوهش‌ها در این رویکرد به مباحث لغوی و دستوری و یا استعاره‌های زبانی مربوط می‌شوند. در کتاب زبان‌شناسی زیست محیطی: زبان، محیط زیست و داستان‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم از آرن استیبی، فصلی به گفتمان‌های محیط زیستی اختصاص دارد که در آن، گفتمان‌های مخرب،

گفتمان‌های دو پهلو و گفتمان‌های مفید مشخص شده‌اند. استیسی در این کتاب با بررسی انگاره‌های مفهومی و استعاره‌شناختی زبان‌شناسی شناختی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی درصدد بررسی خطاهای انسان در نگرش او نسبت به محیط زیست است.

و همچنین پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان زیست محیطی در زبان فارسی» از فاطمه بزی حسین‌زاده دفاع شده است که با روش توصیفی تحلیلی به بررسی واژگان و دستور زبان متون روزنامه‌ای با رویکرد تحلیل گفتمان محیط زیستی پرداخته است.

بدون آنکه ادعا کنیم پیشینه پژوهش‌ها در زمینه تحلیل گفتمان محیط زیستی را در ادبیات به‌ویژه در غرب بیان کرده‌ایم (چراکه این امر نیاز به پژوهشی مجزا دارد) در این مقاله ضمن معرفی مدل کاربردی زیف^۲، تلاش می‌کنیم به این سؤال پاسخ دهیم که:

«نحوه مواجهه ادبیات با گفتمان‌های محیط زیستی مبتنی بر مدل کاربردی سه‌گانه زیف چگونه است؟» در این پژوهش ضمن پاسخ به این سؤال، تلاش شده است که نمونه‌های شاخصی برای هر یک از این سه نوع مواجهه ادبیات ذکر و درباره آن‌ها تحلیلی مختصر ارائه شود.

۳. مبانی نظری پژوهش

ادبیات در تعامل و گفت‌وگو با جامعه و محیط و گفتمان‌های موجود در آن‌هاست. «همچنان که یک گفتمان معین در بافت اجتماعی دگرگون‌شونده‌ای توسعه می‌یابد و مقتضیات خاص آن را [به طور] موقت می‌پذیرد، ادبیات نیز در حال گفت‌وگویی دائمی و تعاملی پیوسته با گفتمان‌های قبلی و گفتمان‌های در حال ظهور است و در مقابل مفروضات اصلی و محدودیت‌های گفتمان‌های مختلف از خود واکنش نشان می‌دهد و در عین حال آماده پذیرش واکنش‌های آن‌هاست.» (کریمی‌حکاک، ۱۳۸۴: ۳۲). بنابر نظریه باختین هر اثر ادبی در گفت‌وگو با گفتمان‌های قبلی و نوظهور است اما این گفت‌وگو به چه طریقی صورت می‌گیرد و محصول این گفت‌وگو برای جامعه و فرهنگ چیست؟

هوبرت زیف با ارائه مدل کاربردی سه‌گانه از ادبیات به عنوان بوم‌شناسی فرهنگی یاد می‌کند که قادرست سه نقش برجسته را در گفتمان فرهنگی ایفا کند. این سه نقش عبارت‌اند از فراگفتمان فرهنگی - منتقدانه، ضدگفتمان تخیلی و میان‌گفتمان الحاق مجدد. (زیف، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

۳-۱. ادبیات در نقش فراگفتمان فرهنگی - منتقدانه

ادبیات در نقش اول خود با توجه به توضیحات زیف به دنبال منعکس کردن نقاط ضعف، تناقضات و نقایص گفتمان غالب است. برای مثال در مورد دوگانه‌های پذیرفته‌شده در فرهنگ غرب، ما شاهد تقابل میان ذهن و بدن، عقل و عاطفه، نظم و آشفتگی، فرهنگ و طبیعت هستیم. شاید غلبه قدرت گفتمان در جهان واقع، اجازه ظهور و بروز اشکالات و نقایص ناشی از این دوگانه‌انگاری را به ما ندهد اما ادبیات قادر است با بهره‌گیری از عنصر خیال و هنر، این تناقضات را در معرض عقل و احساس مخاطبان قرار دهد. برای مثال در جامعه‌ای که قانون محوری در تقابل با احساس قرار دارد، جایی برای مسائل احساسی و عاطفی باقی نمی‌گذارد و گفتمان غالب به نفع قانون‌مداری است. در یک اثر ادبی، شخصیت داستان در وضعیتی قرار می‌گیرد که میان گفتمان غالب، یعنی قانون‌محوری، و رعایت مسائل انسانی و عاطفی باید یکی را انتخاب کند. اگر قانون را رعایت کند، روان او دستخوش آسیب می‌شود و اگر به ندای انسانی درون خود پاسخ گوید با تنبیه و زندان روبه‌رو خواهد شد. اینجاست که ادبیات در نقش فراگفتمان فرهنگی - منتقدانه ظهور می‌کند و از جایگاهی بیرون از گفتمان، به نقد آن می‌پردازد. یا نمونه‌ای دیگر: در جامعه‌ای که گفتمان قومی و قبیله‌ای غالب است و همه چیز در پیوند با آداب و رسوم و منافع قبیله تعریف می‌شود به گونه‌ای که فردیت در آن جایگاهی ندارد، ادبیات منتقدانه در نقش فراگفتمانی ظاهر می‌شود و عقل اهالی فرهنگ را به چالش می‌کشد. برای مثال در یک منظومه یا رمان عاشقانه، عشقی سوزان دامنگیر مرد یا زنی می‌شود اما آداب و رسوم قومی و قبیله‌ای و یا طبقات و گروه‌های تعریف‌شده اجتماعی اجازه ابراز این عشق را نمی‌دهد. به عبارتی دیگر، نظم پذیرفته‌شده قبیله‌ای، قومی و یا حتی شهری، موجب نادیده گرفته شدن احساسات فردی و در نتیجه آشفتگی روحی و روانی او می‌شود. ادبیات در این نقش به اصلاح تدریجی گفتمان غالب منجر می‌شود و نقاط کور، خلأها و پیامدهای پیش‌بینی نشده و یا نادیده گرفته شده گفتمان غالب را برجسته و منعکس کند.

۳-۲. ضدگفتمان تخیلی

زیف نقش دوم ادبیات را نقش ضدگفتمان فرهنگی معرفی می‌کند. ادبیات در این نقش، گفتمان‌های فراموش شده و یا به حاشیه رانده و سرکوب شده را نه تنها به سطح آگاهی و زبان می‌رساند، بلکه با به کارگیری اصول زیباشناختی به آن انرژی تخیلی می‌بخشد و آن را برجسته می‌کند. در حقیقت انفاقی که قرار است در واقعیت، با گذشت زمان زیادی روی دهد و گفتمان غالب به مرور کنار گذاشته شود و گفتمان

فراموش شده یا به حاشیه رانده شده به تدریج مطرح و حتی جایگزین شود، این اتفاق «به یکباره» در یک اثر ادبی با انرژی تخیلی رخ می‌دهد. این اتفاق ناگهانی با بهره‌گیری از رؤیا، سحر و جادو، ناخودآگاه و پیکرگردانی در آثار ادبی فراهم می‌شود. برخلاف مورد قبل، اثر ادبی قصد اصلاح و یا نشان دادن نقاط ضعف گفتمان موجود را ندارد بلکه کاملاً درصدد کنار گذاشتن گفتمان غالب است. ضد گفتمان فرهنگی، موجب از بین رفتن انحصارطلبی گفتمان فرهنگی غالب و مطرح شدن سایر گفتمان‌های به حاشیه رانده شده در فضای واقعی می‌شود و انرژی تخیلی ادبیات، زمینه را برای چنین رویدادی در جهان واقعیت فراهم می‌کند. برای مثال می‌توان به نقش مؤثر آثار ادبی در زیر سؤال بردن نظام طبقاتی، برده‌داری، تبعیض جنسیتی و نژادی اشاره کرد. سیندرلا در جامعه طبقاتی‌ای که امکان حضور در مجالس شبانه اشرف برای فرودستان وجود ندارد، با یک اتفاق جادویی برای چند ساعت، شکل و شمایل طبقه مرفه را به خود می‌گیرد و این امکان را پیدا می‌کند و در جمع آن‌ها حاضر می‌شود. این اتفاق جادویی، نظم طبقاتی را که گفتمان مسلط موجود فراهم کرده است، می‌شکند و اجازه می‌دهد خواننده فضای متفاوتی را تجربه کند.

۳-۳. میان گفتمان الحاق مجدد^{۱۳}

سومین نقش ادبیات در نگاه زیف، نقش میان گفتمان الحاق مجدد است. در این نقش ادبیات حوزه‌ها و گفتمان‌هایی را که از لحاظ فرهنگی از هم جدا هستند و گاه به حاشیه رانده شده‌اند دوباره بازسازی و بازیابی می‌کند. درحقیقت نقش ادبیات نزدیک کردن ارتباط میان گفتمان‌های موجود در جامعه از جمله گفتمان‌هایی است که در حاشیه هستند و یا فراموش شده‌اند. ادبیات در این نقش، قصد نقد و حذف گفتمانی را ندارد بلکه می‌خواهد با نزدیک کردن گفتمان‌هایی که در مقابل هم قرار گرفته‌اند و یا یکی بر دیگری مسلط شده‌است فضایی برای مواجهه، آشنایی و یا گفت‌وگوی آن‌ها فراهم کند. در این نقش در یک اثر ادبی، حوزه‌ها و گفتمان‌هایی که از لحاظ فرهنگی از هم جدا هستند (مثلاً مذهب و شهوت، خود و دیگری، فرهنگ و طبیعت) در یک لحظه به هم می‌رسند. اتفاقی که در آن لحظه می‌افتد به نوسازی فرهنگی عمیق‌تری منجر می‌شود. تصاویر شاخصی که در اثر ادبی در این نقش مطرح می‌شود، عبارت‌اند از: بافت، شبکه، ارتباط، گفت‌وگو، دگرگونی، بازگشت از جهان مردگان، حیات مجدد و باززایی. بورگن لینک^{۱۴} این نقش ادبیات را نقش «میان گفتمان الحاق مجدد» می‌نامد (زیف، ۱۳۹۲: ۱۳۲). شاید بتوان به این تصاویر زیف، پرتاب به گذشته و یا آینده از طریق ماشین زمان و حتی مهاجرت و زیستن در دل گفتمان دیگر را نیز اضافه کرد.

ادبیات با تزریق انرژی تخیلی به فضای فکری و فرهنگی جوامع و با ایفای این سه نقش بزرگ، خود در ساختن و کنار نهادن و بازسازی و باززایی گفتمان‌ها در تحولات فکری و فرهنگی تأثیری کلان دارد و اجازه نمی‌دهد فرهنگ‌ها در رکود و جمود بمانند و گفتمان مسلط در درازمدت احساس امنیت کند. این هنر ادبیات ناشی از ظرفیت جادویی او در ایجاد جهان‌های ممکن، متمایز از جهان موجود است. خواننده اثر ادبی با خواندن هر اثر، امکان زیست متفاوتی را در این جهان ممکن برای خود فراهم می‌کند بی آنکه عملاً هزینه‌ای بابت این مهاجرت به دل گفتمان دیگر بپردازد. از این رو تنها در چارچوب فرهنگ مسلط نمی‌اندیشد و حداقل در ذهن خود، تصاویر دیگری از هر واقعه ترسیم می‌کند و در فضایی میانه آن دو می‌اندیشد و زندگی می‌کند. تأمل در پدیده‌های فرهنگی، از جمله نگرش به محیط زیست از منظرهای متفاوت، زمینه را برای دگراندیشی و دگرزیستی فراهم می‌کند و این آغاز حرکت فرهنگی و فکری یک جامعه و شکل‌گیری گفتمانی نو و یا یادآور گفتمان‌های فراموش شده است.

پیش از آنکه به سه نقش ادبیات در تحولات گفتمانی محیط زیستی پرداخته شود، به نکته مهمی در نظریه زیف و تعبیرات او اشاره می‌شود و آن اینکه زیف مانند روکرت از اصطلاحات بوم‌شناسی برای فرهنگ استفاده می‌کند. روکرت با به‌کاربردن اصطلاحات بوم‌شناسی، مثل اکولوژی، قدرت و انرژی عملاً محیط فیزیکی را با ادبیات و فرهنگ پیوند زده به گونه‌ای که مبتنی بر فرایندهای موجود در اکوسیستم جهان طبیعت، درباره فرایند تولید و مصرف (خوانش) آثار ادبی سخن گفته^{۱۵}. توشیک^{۱۶} در مقاله خود به مقایسه برخی از اصطلاحات موجود در ادبیات و زبان‌شناسی با اصطلاحات موجود در علم بوم‌شناسی می‌پردازد (توشیک، ۲۰۰۶: ۴۵). (Tošić, 2006: 45).

اصطلاحات زیست محیطی به‌عنوان منبع نقد بوم‌گرایی و مطالعات زبانی

بوم‌شناسی	نقد بوم‌گرایی و مطالعات زبانی
بوم‌شناسی	بوم‌شناسی عمیق
محیط زیست فیزیکی	تخیل محیط زیستی تخیل مجدد
تنوع زیستی	فرهنگ جهانی محیط زیست ناخودآگاه محیط زیستی
گونه‌های در معرض خطر	زیستگاه بوم فرهنگی
آلودگی	گفتمان سمی مخاطرات ادبی آلودگی زبانی

شبهات و نزدیکی این اصطلاحات و استعارات از فاصله ذهنی میان طبیعت و فرهنگ می‌کاهد. در ادامه این مبحث ضمن توضیح درباره این سه نقش کارکردی ادبیات در گفتمان محیط زیستی، تلاش می‌شود نمونه‌هایی از آثار ادبی محیط زیستی در هر بخش ذکر شود.

۴. نقش‌های سه‌گانه ادبیات در گفتمان محیط زیستی

متناسب با نوع نگاه و رابطه انسان با محیط زیست در طول تاریخ، گفتمان محیط زیستی، دستخوش تغییر و تحول شده‌است. شاید سه گفتمان اصلی را بتوان در این زمینه نام برد: گفتمان انسان‌محور، گفتمان زیست‌محور و گفتمان زیست‌بوم‌محور. در آثار ادبی کلاسیک و مدرن به اشکال گوناگون این گفتمان‌ها منعکس شده‌است.

۴-۱. فراگفتمان فرهنگی- منتقدانه محیط زیستی

در این نقش ادبیات در پی نشان دادن نقاط ضعف، تعارض‌ها و نقایص گفتمان حاکم است. برای مثال چنان‌که می‌دانیم در گفتمان انسان‌محور که به‌ویژه بعد از انقلاب صنعتی بر جوامع توسعه‌یافته حاکم شد، همه مسائل و مشکلات و راه‌حل آن‌ها حول محور انسان و منافع او شکل می‌گیرد. از این رو حیات و شرایط زیست سایر موجودات اهمیت چندانی در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان ندارد و در نظر گرفته نمی‌شود. گسترش دامنه نفوذ انسان در طبیعت، کمتر جایی از زمین را به صورت بکر و دست‌نخورده باقی گذاشته است تا سایر موجودات بتوانند در آن بدون مزاحمت ادامه حیات دهند. انسان با همه ابزار و تکنولوژی خود به‌نوعی به قلمرو سایر موجودات تجاوز کرده و شرایط زیست را برای آن‌ها دشوار کرده است.^{۱۷} ادبیات می‌تواند با استفاده از عنصر تخیل و عناصر بلاغی و روایی، زبان اعتراض سایر موجودات شود و از منظر فراگفتمان فرهنگی، زشتی و نقایص این گفتمان انسان‌محور را به نحوی مؤثر به تصویر کشد و ملموس کند. ادبیات، همچنین قادر است مخاطرات تدریجی محیط زیستی مثل گرمایش زمین و نیز پدیده‌هایی مانند انقراض گونه‌ها که در بازه زمانی طولانی آرام آرام رخ می‌دهند و در نتیجه یک فرد یا یک نسل که ممکن است نتوانند در طول عمر خود، آن را تجربه و حس کنند، به تصویر کشد و علل و عواملی را که ریشه در گفتمان موجود دارد برجسته کند و به نقد کشد.

یکی از شاعرانی که به زیبایی، زشتی گفتمان انسان‌محور را در برخی از اشعار خود به تصویر کشیده است، فریدون مشیری است. هنر او این است که برخلاف برخی از شاعران محیط زیستی معاصر، هیچ نقد

مستقیم و باید و نبایدی را مطرح نمی‌کند، بلکه با شگردهای مختلف از جمله استفاده از لحن طنزآمیز، پیام خود را غیرمستقیم منتقل می‌کند. یکی از شگردهای او این است که دقیقاً از نگاه انسان شهرنشین و از دریچه ذهن او سخن می‌گوید. مشیری، ذهنیت و خواسته زشتی را که انسان مدرن خودخواهانه در دل می‌پسندد اما بر زبان نمی‌آورد، ترسیم می‌کند و این گونه از دل گفتمان، نقایص آن را برجسته می‌کند. برای مثال می‌توان به بخشی از شعر «خوشه اشک» اشاره کرد که نشان می‌دهد انسان مدرن در ذهن خود هیچ محدوده قلمروی را برای سایر موجودات قائل نیست و زمین و آسمان را برای خود می‌داند. مشیری این ذهنیت را به زبان می‌آورد و خواننده را به تأمل وامی‌دارد.

خوشه اشک

قفسی باید ساخت

هر چه در دنیا گنجشک و قناری هست،

با پرستوها،

و کبوترها

همه را باید یک‌جا به قفس انداخت!

روزگاری ست که پرواز کبوترها

در فضا ممنوع است.

که چرا

به حریم جت‌ها

خصمانه تجاوز شده است! (مشیری، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۰۴).

شگرد دیگر مشیری توصیف واقعیت‌های محیط زیستی در دل گفتمان انسان‌محور است، اتفاقاتی که در اطراف ما برای سایر موجودات و طبیعت می‌افتد و ما تا زمانی که حیات خودمان را تهدید نکند، به آن توجهی نداریم. در شعر «محیط زیست» با لحنی طنزآمیز توجه مخاطبان را به نتیجه عملکرد کارگزاران، فارغ از دستاوردهایی که برای شهروندان دارد، جلب می‌کند:

محیط زیست

به لطف کارگزاران عهد ظلمت و دود

که از عنایت‌شان می‌رسد به گردون‌آه

کبوتران سپید

بدل شوند پیاپی به زاغ‌های سیاه (همان، ج ۲: ۱۱۹۹).

از داستان «سگ ولگرد» صادق هدایت نیز می‌توان به عنوان نمونه دیگری از نقش فراگفتمان فرهنگی-انتقادی ادبیات نام برد. برخلاف غالب داستان‌ها، شخصیت اصلی این داستان یک سگ است و نام داستان نیز به او اختصاص یافته است. با توجه به نگرشی که نسبت به سگ در فرهنگ ما وجود دارد این هنجارشکنی قابل تأمل است. نویسنده با انتخاب این حیوان در محله‌ای از ورامین که از لحاظ شاخص‌های فرهنگی و محیط زیستی در وضعیتی نامناسب به سر می‌برد، سعی دارد با نگاهی زیست‌محور، حقوق نادیده گرفته شده سایر موجودات را به تصویر کشد. او با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ادبی و با استفاده از انرژي تخیل، مرزهای سخت و صلیبی‌ای را که در ذهن و زبان مخاطبان میان انسان و سایر موجودات فاصله انداخته است، می‌شکند. از جمله شگردهای ادبی و زبانی او در تثبیت این ادعا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- آوردن نام انسان در کنار نام سایر موجودات: «آدم‌ها، دکان‌ها، درخت‌ها و جانوران از کار و جنبش افتاده بودند» (هدایت، ۱۳۴۲: ۹).

- به کار بردن افعال و صفات انسانی برای سایر موجودات: «چرت زدن برای گنجشک‌ها» (همان: ۱۰)، «سماجت برای درختان» (همان: ۹)، «باهوش بودن برای دو چشم سگ» (همان: ۱۰)، «دیده شدن روح انسانی در نگاه سگ» (همان).

- بیان احساسات، عواطف، رنج‌ها، شادی‌ها و دردهای متنوع یک سگ، و درک و فهمی که از رفتار خشونت‌زا و یا محبت‌آمیز دیگران دارد.

هدایت با ترسیم وضعیت سگی ولگرد به نقد گفتمانی می‌پردازد که در آن انسان‌ها توجهی به محیط زیست و حقوق موجودات دیگر ندارند. وضعیت نامناسب مکان روایت از جمله هوای آلوده بر اثر آمد و شد اتومبیل‌ها، خشکی درختان، آب‌های گل‌آلود و کثیف، خیابان‌های پر از خاک‌روبه با روحیه‌پر از خشونت و کینه‌مردمان آن گره خورده است. پایان داستان مسابقه‌ای میان سگ امیدوار و اتومبیلی است که می‌تواند مسابقه‌ای نمادین میان طبیعت و تکنولوژی باشد که سرانجام سگ، زمین‌گیر می‌شود. و مرگ دردناک سگ ولگرد در غروبی غم‌انگیز می‌تواند به منزله سلطه مجدد گفتمان مخرب انسان‌محور باشد.

۴-۲. ضد گفتمان تخیلی محیط زیستی

در این نقش، انرژي تخیلی به یکباره گفتمان مسلط را کنار می‌گذارد و مخاطب، گفتمان دیگری را تجربه می‌کند. این امر در گفتمان‌های محیط زیستی از اهمیت بسیاری برخوردار است چراکه تحولات گفتمانی در این عرصه بسیار کند و زمان‌بر است. بسیاری از فجایع محیط زیستی مثل انقراض گونه‌ها، گرمایش زمین،

سوراخ شدن لایه ازن، آلودگی آبها و خشک شدن دریاچه‌ها و تالابها ممکن است در طی دهها و گاه صدها سال صورت گیرد، از این رو از چشم انسان‌هایی که در دوره محدود زندگی می‌کنند ملموس و قابل درک نیست. روایت و داستان می‌تواند از طریق رؤیا، جادو، پرواز به آینده و یا بر طبق اصطلاح ژنت^{۱۸} در روایت‌شناسی از طریق زمان‌پیشی (ژنت، ۱۹۸۰: ۲۳). وضعیت زمین و محیط زیست را در آینده به تصویر کشد و خواننده را در جهان‌های پرخطر احتمالی قرار دهد. از این رو توجه به روایت و استفاده از شگردهای روایت‌پردازی در تقدبوم‌گرا از اهمیت بسیاری برخوردار است. در یک اثر ادبی این روند کند و آرام با یک اتفاق خارق‌العاده رخ می‌دهد مثلاً یک فاجعه محیط زیستی، یک جنگ هسته‌ای و یا از طریق تخیل، رؤیا و جادو که به یکباره گفتمان دیگری جایگزین می‌شود.

در رمان دریاچه آخر دنیا اثر کارولین مک دونالد^{۱۹} (۱۳۹۶). با انرژی تخیل، خواننده فضای متفاوتی را تجربه می‌کند. آدم‌هایی که تا دیروز به شکلی مطلق‌العنان روی زمین به دنبال منافع خود بودند و نگرانی بابت محیط زیست خود نداشتند به یکباره بر اثر فاجعه‌ای محیط زیستی و خطر جنگ هسته‌ای به تونلی در زیر زمین پناه می‌برند. دریاچه آخر دنیا داستان معدود بازماندگانی است که زیر زمین زندگی می‌کنند. پنجاه سال بعد از این حادثه (سال ۲۰۲۵) نوجوانی به نام هکتور از تونل فرار می‌کند و برای اولین بار آسمان، خورشید و جانوران را روی کره زمین می‌بیند. او با دختری به نام دیانا آشنا می‌شود که با پدر و مادرش در کنار دریاچه‌ای زندگی می‌کند و به نظر می‌رسد تنها بازماندگان روی زمین باشند. هکتور مجبور می‌شود برای نجات مادر دیانا مجدداً به زیرزمین برگردد. ماجرای داستان بخشی از زبان هکتور و بخشی از زبان دیانا روایت می‌شود و این دو راوی، خواننده را با دو فضا برای زندگی روبه‌رو می‌کنند که البته هر دو به فضای بعد از فاجعه محیط زیستی تعلق دارد و گفتمان حاکم بر آن ترس زیست‌محیطی است: روی زمین که روشن و وسیع و زیباست اما در معرض خطرات محیط زیستی است و زیر زمین که تنگ و تاریک و محدود اما امن است و خطرات محیطی انسان‌ها را تهدید نمی‌کند. نویسنده با بهره‌گیری از انرژی تخیل، خوانندگان را یکباره در تجربه فاجعه محیط زیستی که ممکن است در زمان حیات نسل او یا نسل‌های بعدی رخ دهد، سهیم می‌کند. خواننده‌ای که فعلاً در گفتمان انسان‌محوری زندگی می‌کند سعی دارد همه طبیعت و محیط زیست را در سلطه خود داشته باشد و ترس محیط زیستی برای او معنایی ندارد.

زیستن در دو فضای موجود در داستان یعنی روی زمین با مخاطرات خود و تونل تنگ زیر زمین، هر کدام مشکلات و مصائب خود را دارند. خواننده درست مانند شخصیت داستان، هکتور، مجبور می‌شود یکی را انتخاب کند و این انتخاب، ذهن او را به چالش می‌کشد و به تأمل وا می‌دارد. به‌راستی مشکلات محیط زیستی

که انسان‌ها را مجبور به زیستن در زیر زمین و تن دادن به آن محدودیت‌ها کرده است، چیست؟ آیا نمی‌شود از آن فجایع پیشگیری کرد؟ اینجاست که گفتمانی دیگر مطرح می‌شود. گفتمانی که در آن آزادی و رفاه کمتر اما امنیت و اطمینان و دوام بیشتری وجود دارد درحالی‌که گفتمان موجود، انسان را مطلق‌العنان و آزاد می‌خواهد، نقش ضدگفتمان محیط زیستی ادبیات، ما را به سبکی تازه از زندگی دعوت می‌کند و از ما می‌خواهد پیش از آنکه مانند نسل‌های آینده به اجبار، بسیار محدود شویم بهتر است امروز کمی خودمان را محدودتر کنیم.^{۲۰}

۴-۳. میان گفتمان الحاق مجدد محیط زیستی

در این نقش اثر ادبی مانند یک رسانه مؤثر در پی آن است که گفتمان‌های مختلف محیط زیستی را که در مقابل هم و یا جدا از هم قرار گرفته‌اند به هم نزدیک و آن‌ها را به یکدیگر معرفی کند و یا به گفت‌وگو بنشانند. بنابراین ما شاهد حضور گفتمان‌های مختلف در این اثر هستیم که قرار نیست به یکباره یکی حذف شود. خواننده در طول اثر با این گفتمان‌ها به تدریج آشنا می‌شود و در نتیجه بعد از خواندن آن، دید گسترده‌تر و جامع‌تری پیدا می‌کند. برای این نقش ادبیات، داستان هبوط اثر دنیل کوپین با ترجمه دانیال قارونی (۱۳۹۱) به عنوان نمونه بررسی می‌شود. در این داستان^{۲۱}، خواننده با گفتمان و روایت متفاوتی از آفرینش، تاریخ، جهان و تکامل آشنا می‌شود. خلاصه داستان چنین است:

در آگهی روزنامه، معلمی به دنبال شاگرد می‌گشت. داوطلب (راوی) وقتی مراجعه می‌کند از پشت شیشه گوریلی را می‌بیند. پشت سر گوریل روی پوست نوشته شده است:
اگر انسان نباشد / آیا امیدی برای / گوریل باقی است؟

این عبارت دو معنا می‌داد: بقای گوریل به انقراض بشر وابسته است و یا بقای گوریل به بقای بشر وابسته است. گوریل به سخن در می‌آید و ماجرای زندگی خود را شرح می‌دهد. داوطلب متوجه می‌شود که معلم، همان گوریل است. گوریلی که از جنگل‌های استوایی غرب آفریقا به باغ وحشی آورده شده بود. گوریل سعی می‌کند تفاوت سبک زندگی‌اش را در حیات وحش با قفس و باغ وحش توضیح دهد. او از اینکه از محیط طبیعی زیستش دور شده شاکی است، جایی که نه دغدغه تغذیه داشته و نه از دوری خانواده رنج می‌برده است. نویسنده ضمن بیان حادثه‌ای در داستان به نقش نام‌گذاری‌ها روی ذهنیت و عملکرد اشاره می‌کند. نامی که تماشاچیان برای گوریل در نظر گرفته‌اند جالوت^{۲۲} است اما یک روز پیرمردی در مقابل او ایستاده و گفته: تو جالوت نیستی. گوریل دیگر وقتی او را جالوت صدا می‌زدند، جواب نمی‌داده. برای همین هم او را از واکن بیرون انداختند و به یک فضای متفاوت بردند. باز پیرمرد آمده و به او گفته تو جالوت نیستی. تو اسماعیلی.

در حقیقت آن مرد، پیر نبوده بلکه تاجر ثروتمندی بوده که همه اعضای خانواده‌اش را در هولوکاست از دست داده بوده. او گوریل را خریده درحالی که از او می‌ترسیده. مربی گوریل او را با ماشین آلات سنگین مقایسه کرده بوده که خطرناک نیستند اما جثه بزرگی دارند. این تشبیه مربی مشابه دیدگاه دکارت درباره حیوانات است که از آنها به ماشین‌های خودکار تعبیر کرده‌است (سینگر، ۱۳۹۶: ۳۸۲) خریدار کم کم با نگاه کردن به گوریل با او ارتباط می‌گیرد و متوجه فهم او می‌شود و سعی می‌کند به او سخن گفتن بیاموزد. در مدت ده سال به او اطلاعات زیادی می‌آموزد. گوریل به او کمک می‌کند تا از افسردگی خارج شود و حیات اجتماعی خود را دوباره پیدا و ازدواج کند. گوریل (اسماعیل) برای دختر آن مرد، حکم برادر، حیوان خانگی، معلم و پرستار پیدا می‌کند. بعدها اسماعیل تصمیم می‌گیرد به قلب فرهنگ نفوذ پیدا کند و معلم شود و درس اسارت بدهد. او به پسرک می‌گوید: شما اسیر تمدنی شده‌اید که کم و بیش وادارتان می‌کند برای ادامه زندگی، جهان را نابود کنید. گوریل به ماجرای آلمان نازی اشاره می‌کند و هم طرفداران و هم دشمنان هیتلر را «اسیر» می‌خواند، اسیر داستان‌هایی^۵ که خودشان ساخته و باور کرده‌اند. گوریل درباره داستان‌هایی که فرهنگ مادر، ساخته و انسان‌ها باید در آن نقشی بازی کنند وگرنه حذف و نابود می‌شوند سخن می‌گوید. به او می‌گوید اگر با من به سفر آموزشی بیایی با اطرافیان و خویشانت بیگانه خواهی شد. او از تأثیر واژگان و برچسب‌هایی که حتی انسان‌ها را از هم جدا هم می‌کند، سخن می‌گوید و به او می‌گوید که سفر موجب می‌شود به ادراک تازه‌ای از جهان برسی. گوریل می‌گوید در این جهان، دو داستان کاملاً متفاوت اجرا شده است: داستانی آفریده‌محور که از حدود سه میلیون سال پیش شروع شده است و توافق کرده‌ایم آن را «داستان نخواه» بنامیم و داستانی انسان‌محور که حدود ده تا دوازده سال پیش شروع شده است و توافق کرده‌ایم آن را «داستان بخواه» بنامیم و ظاهراً فرار است این انتخاب منجر به فاجعه بشود. پذیرش داستان نخواه از سوی انسان‌ها، به نوعی ناهنجاری تاریخی دانسته می‌شود.

گوریل از پسر می‌خواهد داستان آفرینش را روایت کند و در آخر از او می‌پرسد که چرا داستان را با خلقت انسان به پایان برده است؟ چرا بعد از خلقت انسان اتفاق دیگری را بیان نمی‌کند؟ چرا تنها روی خلقت سیاره زمین متمرکز شدی؟ چون تو مطابق با داستان ذهنی خودت، انسان را هدف خلقت می‌دانی. اگر انسان با این پیش‌فرض می‌زیست که مثلاً ستاره دریایی، هدف خلقت است نه او، در آن صورت مثل بقیه موجودات می‌زیست و قصد کنترل محیط خود را نداشت. در داستان نخواه انسان برای جهان ساخته شده است، برخلاف داستان بخواه که جهان برای انسان ساخته شده است. در ادامه داستان اسماعیل سعی می‌کند به مقایسه داستان نخواه با داستان بخواه بپردازد. به عبارتی دیگر، تاریخ را از نگاه غیرانسان روایت کند تا

داوطلب، نگرش تازه‌ای پیدا کند. بخشی از داستان به بحث و تفسیر اسطوره آفرینش و هبوط انسان به زمین مربوط می‌شود و اسماعیل سعی می‌کند نگاه متفاوتی از این داستان و درخت ممنوعه که از آن به درخت دانش تعبیر می‌کند، ارائه بدهد. محدودیت دانش انسان و ادعای او در فرمانروایی دنیا موجب شده که ظرف چند هزار سال دنیا رو به فنا برود درحالی که میلیاردها سال بدون حضور او مشکلی وجود نداشت.

پایان داستان با مرگ گوریل رقم می‌خورد و عبارت دیگری که در پشت پوستری نوشته شده است و در روز اول داوطلب آن را ندیده بود:

اگر گوریل نباشد / آیا امیدی برای / انسان باقی است؟

ویژگی اصلی این داستان که موجب انتخاب آن برای نقش سوم ادبیات از دیدگاه زلف شد این است که روایت هبوط، فضایی را فراهم می‌کند که دو گفتمان انسان‌محور و زیست‌محور نه با هدف حذف یکدیگر از طریق جادو و سحر، بلکه با هدف آشنایی، به گفت‌وگو بنشینند و تاریخ را از دو روایت مرور کنند. گوریل بعد از بیان خاطرات خود، در ارتباط با آموزه‌های بدیهی داوطلب، سؤالات فلسفی‌ای را مطرح می‌کند که داوطلب و البته خواننده را به تأمل وادار می‌کند. معیار حیوان بودن چیست؟ چه چیزی حیوانات را از انسان‌های بازدیدکننده از باغ وحش جدا می‌کند؟ کدام موجود هدف خلقت است؟ داوطلب با نگاه انسان‌محور خود به این سؤالات پاسخ می‌دهد و گوریل باورهای او را به چالش می‌کشد. مقایسه دو داستان بخواد و داستان نخواه بهانه‌ای برای طرح روایتی است که انسان هیچگاه به شنیدن آن تمایل نداشته است و یا قادر به تخیل روایت دیگر نبوده است. ادبیات محیط زیستی به‌عنوان یک رسانه از طریق اثرژی تخیل، روایت‌های ممکن را پیش روی انسان قرار می‌دهد تا با شنیدن سخن دیگری، درک بهتری از جهان خود و جهان پیرامون خود داشته باشد. روایت‌هایی که به انسان کمک می‌کنند تا با نگاهی متفاوت، رفتاری مسئولانه و متفاوت داشته باشد، رفتاری که به حفظ و حراست زمین بینجامد.

۵. نتیجه‌گیری

در کنار نقشی که توسعه و تکنولوژی در ایجاد بحران محیط زیست داشتند، ریشه‌های فکری و فرهنگی این بحران را نمی‌توان نادیده گرفت. سؤالی که در ادامه این بحث، مطرح می‌شود این است که نقش ادبیات به‌عنوان یک رسانه فرهنگی در سیاست‌گذاری‌های سبز چیست؟ با بررسی سه نقش فرهنگی ادبیات در تعبیر و تحولات گفتمان‌های محیط زیستی در این پژوهش می‌توان گفت ادبیات همیشه آینه وضعیت موجود نبوده و نیست بلکه با حساسیت بیشتر نسبت به محیط فیزیکی می‌تواند با ترسیم جهان‌های ممکن و با

بهره‌گیری از قدرت تخیل، ما را در تصور و ترسیم تصاویر متفاوتی از زمین و محیط زیست یاری کند. آثار ادبی ضمن نشان دادن تاریخ گفتمان‌های محیط زیستی، نوع رابطه انسان با طبیعت و نیز بیان ریشه‌های فکری، فرهنگی و فلسفی بحران محیط زیست، می‌توانند تصویر متفاوتی از نوع رابطه انسان با محیط زیست ارائه دهند. ادبیات فرصت و مجال فراخ فراهم می‌آورد تا گفتمان‌های به حاشیه رانده شده و فراموش شده مجال ظهور و بروز پیدا کنند. در ادبیات است که زمین و همه پدیده‌ها و موجودات روی آن، فرصت گفت‌وگو با انسان را پیدا می‌کنند و انسان می‌تواند از زاویه‌ای متفاوت رفتار، احساسات و اندیشه‌های خود را مورد ارزیابی قرار دهد. در ادبیات است مرزهای ذهنی و فرهنگی کمرنگ می‌شود، سلطه زبان بر اندیشه تا حدودی ضعیف می‌گردد و گفتمان‌های دور و نزدیک، امکان نزدیک شدن و گفت‌وگو پیدا می‌کنند. در ادبیات است که امکان بازگشت به گذشته و بازنگری در رفتار با زمین، پرواز به آینده و ترسیم چهره زمین در صورت تداوم گفتمان موجود و نیز درنگ در لحظه برای گرفتن تصمیمی درست فراهم می‌شود. ادبیات همچنین می‌تواند تجربه زیستن در طبیعت و محیط زیستی سالم و رمانتیک را به انسان شهرنشین امروز که کمتر تجربه زیستن در طبیعت بکر را دارد، منتقل سازد همان‌طور که می‌تواند تجربه زیستن توأم با ترس زیست محیطی را در محیطی بحران‌زده که با گفتمان حاکم بر آن کاملاً متفاوت است در اختیار ما بگذارد. ادبیات با تزریق انرژی تخیل، نقش قابل توجهی در بازآفرینی، اصلاح و ایجاد تغییر و حتی شکل‌گیری گفتمان‌های تازه ایفا می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

1. Gilcrest
2. Reddick

۳. به همین دلیل می‌توان قائل به دو محیط شد: یکی محیط طبیعی و دیگری محیط انسانی. «مکان، بخشی از فضای طبیعی یا فضای ساخته‌شده است که به لحاظ مفهومی یا مادی دارای محدوده‌ای مشخص باشد و نتیجه رابطه متقابل و عکس‌العمل بین سه عامل رفتار انسانی، مفاهیم و مشخصات فیزیکی مربوط به آن است» (افشاری نادری، ۱۳۷۸: ۴). مکان می‌تواند شکل انسانی‌شده محیط طبیعی باشد شاید به همین دلیل است که شولتس، معماری را به فعل درآوردن محتوای بالقوه محیط می‌داند و معتقد است معماری، ایفای نقش مکمل طبیعت و ارزش‌گذاری بر محیط است (شولتس به نقل از پرتوی، ۱۳۹۴: ۷۴).

4. Peter Albert David Singer
5. Rachel Carson
6. Mikhail Mikhailovich Bakhtin
7. Lotman

۸. عنوان کتاب به انگلیسی: *(Animals Erased: Discourse, Ecology, and Reconnection with the Natural World)*.

9. Arran Stibbe

10. Ben Holgate
11. *Climate And Crises*
12. Hobert Zapf
13. Reintegrative inter-discourse
14. Jurgen Link

۱۵. نک: مقاله روکرت با عنوان «ادبیات و اکولوژی: تجربه‌ای در نقد بوم‌گرا»، (*Literature and Ecology: An Experiment*) در مجموعه مقالات خواننده نقد بوم‌گرا (*The Ecocriticism Reader*)، ص ۱۰۵ تا ۱۲۳.

16. Tošić

۱۷. نیس در کتاب بوم‌شناسی، اجتماع و سبک زندگی به اصول بوم‌شناسی ژرف اشاره می‌کند و یکی از اصول مورد نظر او این است که «شکوفایی زندگی انسان و غیرانسان روی زمین، ارزش ذاتی دارد. ارزش شکل‌های زندگی غیرانسانی به سودمندی آن‌ها برای اهداف کوتاه‌بینانه انسان وابسته نیست» (۱۳۹۹: ۶۴). همچنین در ادامه می‌نویسد: «انسان‌ها هیچ حقی برای کاستن از این غنا و تنوع ندارند مگر برای ارضای نیازهای حیاتی خود» (همان).

18. Genette

19. Caroline MacDonald

۲۰. نیس در این زمینه می‌گوید: «اگر استانداردهای مادی زندگی و رفاه عمومی، دیگر برای اهداف اصلی تمام سیاست‌ها کافی نیست چه چیزی می‌تواند جایگزین آن‌ها شود؟ خوشبختی؟ کیفیت زندگی؟ طبیعت آزاد، فی‌نفسه نه خوشبختی است نه کیفیت زندگی. پس باید چیزی باشد که به واسطه حفظ طبیعت آزاد به دست آید؛ شاید چیزی که در خدمت خوشبختی و کیفیت زندگی باشد» (۱۳۹۹: ۱۳۸).

۲۱. داستان‌ها را می‌توان مترادف روایت‌ها و قرائت‌های خاص گرفت که جهان‌بینی و معرفت فکری ما را شکل می‌دهند.

۲۲. در عهد قدیم، جالوت جنگجوی غول پیکری بود که در نبرد با بنی‌اسرائیل حدود هزار سال پیش از میلاد، حریف تن به تن می‌طلبید و در نهایت به دست داوود پیامبر کشته شد. علاوه بر این در فرهنگ عامه نام جالوت با صفات غول‌پیکر و بزرگ‌جثه عجین شده‌است.

منابع

- استیبی، آرن (۱۳۹۵) زبان‌شناسی زیست‌محیطی؛ ترجمه سپیده کوه‌کن و مؤگان عباسی، سرپرست گروه مترجمان: فردوس آقا گل‌زاده، تهران: نویسه پاریسی.
- افشار نادری، کامران (۱۳۷۸) «از کاربری تا مکان»، نشریه معمار، ش ۶، ص ۴ تا ۷.
- بزی‌حسین‌زاده، فاطمه (۱۳۸۸) «تحلیل گفتمان زیست‌محیطی در زبان فارسی»، به راهنمایی محمد عموزاده، منوچهر توانگر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- پرتوی، پروین (۱۳۹۴) پدیدارشناسی مکان، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- زیف، هوبرت (۱۳۹۲) درباره نقد بوم‌گرا (مجموعه مقالات). مترجمان عبدالله نوروزی و حسین فتحعلی. گردآوری و مقدمه از زهرا پارساپور. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سینگر، پیتر (۱۳۹۶) آزادی حیوانات، ترجمه بهنام خداپناه، تهران: فقتوس.

- سینگر، پیتر (۱۳۹۸) چپ داروینی سیاست، تکامل، همکاری، ترجمه محمد مهدی هاتف، تهران: کرگدن.
- قربان‌پور، امیر (۱۴۰۰) «معرفی کتاب حیوانات محوشده: گفتمان، محیط زیست، و پیوند دوباره با جهان طبیعت»، نشریه زیست سپهر، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، ش ۳، ص ۵۲ تا ۴۸.
- کارسون، راشل (۱۳۵۸) بهار خاموش، مترجمان: عبدالحسین وهاب‌زاده، عوض کوچکی و امین علیزاده، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات و گرافیک دانشگاه فردوسی.
- کریمی حکاک، احمد (۱۳۸۴) طلیعه تجدد در شعر فارسی، ترجمه مسعود جعفری، تهران: مروارید
- کوبین، دنیل (۱۳۹۱) هبوط، ترجمه دانیال قارونی، مشهد: جهاد دانشگاهی
- مشیری، فریدون (۱۳۸۰) بازتاب نفس صبحدمان، ۲ ج، تهران: چشمه
- مک دونالد، کارولین (۱۳۹۶) دریاچه آخر دنیا، ترجمه پروین جلوه‌نژاد، تهران: محراب قلم
- نظامی گنجوی (۱۳۸۹) لیلی و مجنون، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی به کوشش دکتر سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- نیس، آرنه (۱۳۹۹) بوم‌شناسی، اجتماع و سبک زندگی، ترجمه نسترن خسروی، تهران: بان.
- هدایت، صادق (۱۳۴۲) سگ ولگرد، تهران: انتشارات امیرکبیر

- Genette, Gerard (1980) *Narrative Discourse*, Trans. Jane E. Lewin. Ithaca: Cornell University Press.
- Glotfelty, Cheryl and Fromm, Harold (1995) *The Ecocriticism Reader: Landmarks in Literary Ecology*. Athens And London: The University of Georgia Press
- Holgate, Ben (1920) *Climate and Crises: Magical Realism as Environmental Discourses*, London: Taylor & Francis
- Reddick, Yvonne (2017) *Ted Hughes: Environmentalist and Eco-poet*. London: Palgrave Macmillan
- Tošić, Jelica (2006) "Ecocriticism; Interdisciplinary Study of Literature and Environment", *Facta Universitatis* (Series: Working and Living Environmental Protection) 3(1), 43-50; In: <http://facta.junis.ni.ac.rs/walep/walep2006/walep2006-06.pdf>.